

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۸، بهار ۱۳۹۸: ۱۱۵-۱۳۳

پروبلماتیک خودرهابخششی در فضای مجازی؛  
کاوشی کیفی از چگونگی ابراز خود در میان میکرواینفلوئنسرهای  
اینستاگرامی شهر یزد

سید علیرضا افشانی<sup>۱</sup>

ندا جواهرچیان<sup>۲</sup>

منصور حقیقتیان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۸

### چکیده

پژوهش حاضر به مطالعه چگونگی ابراز خود در میان میکرواینفلوئنسرهای اینستاگرامی شهر یزد پرداخته است. برای این منظور از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای، همچنین نمونه‌گیری نظری و هدفمند استفاده شد. فرایند نمونه‌گیری نظری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل و یافته‌ها در قالب خط داستان (شامل ۲۵ مقوله اصلی و ۱ مقوله هسته) و مدل پارادایمی ارائه شدند. به‌طور کلی روایت‌های میکرواینفلوئنسرها از ابراز خود نشان‌دهنده این واقعیت است که آن‌ها با استفاده از پایگاه مجازی و انگیزه‌های متعالی خود، همچنین در فضای آنومیک هنجاری جامعه، تجربه خودرهابخششی مجازی‌شان را با پویایی‌های متفاوتی همراه می‌کنند. چنین وضعیتی جهان ذهنی و عینی مشارکت‌کنندگان را درگیر می‌کند و دنیای آنان پروبلماتیک می‌شود. به عبارت دیگر خودرهابخششی آنان در مواجهه با مخاطبان چند هزار نفره آنان به‌طور مداوم دست‌کاری می‌شود و آن‌ها را وادار می‌کند تا راهبردهای خود را در مواجهه با این مخاطبان بازاندیشی کند. **واژه‌های کلیدی:** اینستاگرام، ابراز خود، خودرهابخششی، شهر یزد، میکرواینفلوئنسر.

۱. دانشیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)، [afshanalireza@yazd.ac.ir](mailto:afshanalireza@yazd.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل دانشگاه آزاد دهقان، [javaherchian.neda@yahoo.com](mailto:javaherchian.neda@yahoo.com)

۳. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، [mansourhaghighatian@dehghan.ac.ir](mailto:mansourhaghighatian@dehghan.ac.ir)

## مقدمه و طرح مسئله

در طول چند دهه گذشته، تغییرات در فناوری رسانه و ظهور شبکه‌های نوین سبب رسوخ بیشتر فناوری در زندگی انسان‌ها شده و بالطبع شیوه و تأثیرات استفاده، تغییرات فرهنگی زیادی را در جامعه به وجود آورده است (قلی‌زاده و زمانی، ۱۳۹۶: ۱۰۳). رشد ارتباطات در فضای فرامتن الکترونیکی منعطف و متمایل می‌تواند تأثیرهایی بنیادین بر ارزش‌های افراد بگذرد؛ زیرا رسانه‌ها تشکیل‌دهنده فضای اجتماعی هستند. براین اساس تعداد زیادی از مردم با اطلاعاتی که از رسانه‌ها می‌گیرند، عقایدشان را شکل می‌دهند و رفتارهایشان را براساس آن بنا می‌کنند که این اثرگذاری در پژوهش‌ها نشان داده شده است (بیگدلو و هادیان، ۱۳۹۷: ۷۴). شبکه‌های اجتماعی که از آن به «شبکه‌های اجتماعی مجازی» تعبیر می‌شود، به افراد اجازه می‌دهند تا روابط اجتماعی خود را به طور مجازی ممکن کنند؛ به طوری که بدون نیاز به حضور در جمع یا موقعیت مورد نظر، امکان برقراری ارتباط را داشته باشند. شبکه‌های اجتماعی مجازی از نظر عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در مرزهای ملی، تبدیل شدن به ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ بودن از هر نوع کنترل مراجع قدرت، به ابزاری بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده‌اند و زمینه‌های تأثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع شکل داده‌اند.

ابتدایی‌ترین تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر کاربران این است که هویت فعلی آن‌ها را به چالش می‌کشد. ابتدا کاربر را از خود واقعی تهی می‌کنند و سپس به او فرصت می‌دهند خود ایده‌آش را بروز دهد. درحالی‌که به طور ناخودآگاه این خود جدید در فضای گفتمانی شبکه‌های اجتماعی بر ساخته شده است (معمار، عدلی‌پور و خاکسار، ۱۳۸۳: ۱۴۲). جامعه ایران در سال‌های گذشته همگام با دگرگونی‌های ساختی و رفتاری و پیوند گسترده با جامعه جهانی، همچنین آشنایی با ارزش‌های نوین در گستره جهانی، با دگرگونی‌های مهمی روبه‌رو شده است. در این میان، ارزش‌های فردی دچار دگرگونی گسترده‌ای شده؛ تا جایی که می‌توان گفت ارزش‌های ایرانیان به نوزایی انجامیده است (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

فضای مجازی و کنش ارتباطی در آن، سبب شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات ذهنی و فناوری و نیز دگرگونی در نگرش‌ها، احساسات و تعلقات کاربران شده است. حقیقت این

است که تسلط دوفضایی بودن در تمام شئون زندگی، ارتباطات انسانی را با گستره تازه‌ای روبه‌رو کرده است. این فعالیت و کنش‌های احساسی و رفتاری کاربران جوان در دنیای مجازی، نوعی زندگی دوم است که به آنان اجازه می‌دهد در بازنمایی مجازی خود از فضای جهان واقعی اجتماعی متفاوت عمل کنند. درحقیقت دیگر مرزبندی دقیقی میان فضای واقعی و مجازی وجود ندارد و نحوه ارتباط و پیوندی که میان آن‌ها پدید آمده، به خلق فضایی یکپارچه منجر شده است؛ به این معنا که کاربران هم‌زمان در هر دو فضا حضور دارند و این دو با یکدیگر مرتبط هستند (عاملی، ۱۳۸۸: ۵)؛ فضایی که به فرد قدرت نمادین بیشتر و امنیت روانی گسترده‌تری می‌دهد. این فضا سیال و بی‌حد است و به آسانی در دسترس همه قرار می‌گیرد. همچنین به دلیل نبود نشانه‌های فیزیکی و عینی در آن، بی‌جسم، بی‌مکان، تاحدی گمنام و به طرز محسوسی کنترل‌ناپذیر است و جهان ما را به هم‌پیوسته، درهم‌تنیده و چندوجهی کرده است (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). درنتیجه می‌توان گفت چگونگی تغییرات ارزشی ناشی از حضور فراگیر جوانان در شبکه‌های اجتماعی از یکسو و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بالای این فراگیری در تغییر نگرش‌ها، گرایش‌ها، عادات، منش، رفتارها و سبک زندگی مردم در جوامع در حال گذاری مانند کشور ما - که فرهنگ استفاده از شبکه‌های مجازی به دلایل متعدد با تأخیر نهادینه و حاکم می‌شود - از سوی دیگر اهمیت می‌یابد. حال این پرسش مطرح است که عضویت، حضور فعال و تلاش برای جذب مخاطب در شبکه‌های اجتماعی مجازی چه تأثیری بر ارزش‌های فردی دارد. براین اساس پژوهش حاضر با توجه به نفوذ و تأثیر این شبکه‌ها به سراغ کسانی می‌رود که از این شبکه‌ها و تغییرات ارزشی و نگرشی افراد تأثیر می‌پذیرند و بر آن‌ها تأثیرگذارند. به بیان دیگر، در این پژوهش کنشگران فعالی که قدرت تأثیرگذاری بالایی در میدان واقعیت اجتماعی دارند شناسایی و به مطالعه آن‌ها پرداخته شده است. در این میان، میکرواینفلوئنسرهای<sup>۱</sup> محلی در بستر شهر یزد انتخاب شدند؛ زیرا آن‌ها در بافت نسبتاً سنتی شهر یزد فعالیت‌های گسترده‌ای دارند. آن‌ها نه تنها ارزش‌ها و نگرش‌های خاصی را ترویج می‌دهند، بلکه از ارزش‌ها و نگرش‌های مخاطبان‌شان تأثیر می‌پذیرند. به همین دلیل در پژوهش حاضر این برهمکنش افراد و چگونگی تعریف خود، ارزش‌ها و نگرش‌های

میکرواینفلوئنسرها<sup>۱</sup> بیان می‌شود؛ کسانی که از روند زندگی و تصمیم‌های خود محتوایی به صورت عکس و فیلم تهیه می‌کنند.

گروهی از مردم نیز به دلیل علاقه‌مندی و سلیقه خود، این افراد را دنبال می‌کنند. در نتیجه تعداد فالوورهای این افراد روزبه‌روز افزایش می‌یابد و به هزاران نفر می‌رسد. این افراد برعکس سلبریتی‌ها در خارج از فضای مجازی کمتر شناخته شده‌اند. در واقع شهرت آن‌ها بیشتر در رسانه‌های اجتماعی است، اما تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطبان خود دارند. در پژوهش حاضر، میکرواینفلوئنسرهایی که در شهر یزد فعال هستند، بررسی و مطالعه شدند تا شناختی عمیق و جامع از تغییرات رفتاری و ارزشی آنان به طور خاص و جوانان به طور عام به دست بیاید.

### پیشینه پژوهش

در این پژوهش، مطالعات پژوهشگرانی از جمله رستگار خالد، مشکینی و صالحی (۱۳۹۵)، حیدری و رضوانی باصری (۱۳۹۴)، ظهیری‌نیا و آزاد ارمکی (۱۳۹۳)، ربیعی، ذاکری نصرآبادی و علیزاده (۱۳۹۳)، دانشوریان و همکاران (۱۳۹۲)، جهانگیری و ابوترابی (۱۳۹۱) و معدنی و خسروانی (۱۳۹۰) بررسی و مطالعه شد. به‌طورکلی می‌توان گفت این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رسانه‌ها سبب دگرگونی در ارزش‌های افراد و کسب ارزش‌های جدید در بخش وسیعی از کاربران شده‌اند. تا آنجا که کسب ارزش‌های جدید گاهی حتی سبب تضاد با بخش وسیعی از افراد جامعه می‌شود. همچنین در این پژوهش مطالعات خارجی بررسی شده است. مارکوز و همکاران (۲۰۱۷)، چن و همکاران (۲۰۱۶)، نرمال و همکاران (۲۰۱۶)، ال‌اسیری و همکاران (۲۰۱۴) و تولویست و تام<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که اولویت‌های ارزشی نوجوانان از سلسله‌مراتب ارزش فرهنگی بزرگسالان متفاوت است. در نوجوانان، ارزش‌های مربوط به لذت‌گرایی بیشتر و در بزرگسالان، ارزش‌های مربوط به خیرخواهی شدیدتر است. کوا (۲۰۱۳) نتیجه گرفت که خانواده و مدرسه تا حد زیادی بر شکل‌گیری ارزش‌گرایی و شکل‌دادن به

۱. معادل دقیقی در زبان فارسی برای این کلمه نیست تا بتوان معنای دقیق و گستره تأثیرگذاری آن را نشان داد.

اما می‌توان گفت در این واژه در زبان فارسی به معنای شخص تأثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی است.

شخصیت کودک اثر می‌گذارند. پژوهش شوارتز و فیشر<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نشان می‌دهد فرهنگ، ارزش‌ها را تعیین می‌کند. ارزش‌های مربوط به خودمختاری، وابستگی و شایستگی نیز نشان‌دهنده الگوی جهانی مهم و توافق بالاست. سون و وانگ (۲۰۱۰) در بررسی آثار تغییر اجتماعی بر ارزش‌های افراد نسل‌های مختلف در شانگهای چین نتیجه گرفتند که رویکرد نسل‌های جوان‌تر از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های مدرن در فرایند دگرگونی اجتماعی اخیر تغییر کرده است. براساس نتایج پژوهش هان و جنس<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) تغییر اولویت‌های ارزشی به صورت آنی اعمال نمی‌شود و شامل تأخیر زمانی قابل توجه است. در این میان ارزش‌های اساسی فردی بازتاب شرایط غالب در طول سال‌های قبل از بلوغ آن است. از دیدگاه ویا و بوند<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) وسعت ارتباطات با نفوذ تلغن و دسترسی به اینترنت، امکان بیشتری برای نفوذ جهانی شدن در زندگی ما ایجاد می‌کند. به همین دلیل تغییرات ارزشی میان نسل‌ها اتفاقی دور از انتظار به شمار نمی‌رود.

### چارچوب مفهومی

هرچند چارچوب نظری در رویکردهای تفسیری مانند رویکردهای پوزیتیویستی وجود ندارد، رویکردهای تفسیری آزاد از نظریه و مفاهیم حساس نیستند. در واقع، پژوهشگر بدون پیش‌داوری وارد میدان پژوهش نمی‌شود، بلکه از پیش براساس ادبیات موجود، نحوه ورود به واقعیت را مشخص می‌کند، با مفاهیم حساس آشنا می‌شود و راهنمایی نظری را از جهان تجربی به دست می‌آورد. همچنین چرایی و چگونگی مواجهه با واقعیت را نیز مشخص می‌کند. در نتیجه در اینجا چارچوب مفهومی پژوهش به صورتی کاملاً موزج ارائه شده است. شبکه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از افراد، سازمان‌ها یا مجموعه‌های دیگر اجتماعی دانست که به کمک روابط اجتماعی مانند دوستی، همکاری‌بودن یا تبادل اطلاعات به یکدیگر مرتبط می‌شوند. بدین ترتیب شبکه اجتماعی الگویی ارتباطی است که مردم را به هم متصل می‌کند یا پیوندهایی محسوب می‌شود که افراد را با گروه‌هایی از مردم مرتبط می‌کند. اورث راجرز معتقد است ارتباطات عامل دگرگونی اجتماعی هستند؛ زیرا رسانه‌ها

1. Ronald Fischer and Shalom Schwartz

2. Han, Johannes, Chang Yin

3. Wai Li, Liman man and Bond

به سرعت می‌توانند بر طیف وسیعی از اعضای جامعه تأثیرگذار باشند. رسانه‌ها می‌توانند موانع زمانی و مکانی را برطرف کنند و امواج خود را به راحتی به همه نقاط دنیا بفرستند. پیام آن‌ها دیداری یا نوشتاری است. در نتیجه رسانه‌ها می‌توانند برای بخش وسیعی از اعضای جامعه در حال توسعه، نقش آموزشگاه را ایفا کنند، در حوزه زندگی خصوصی پیام‌گیران قرار بگیرند و بسیاری از لحظه‌های زندگی افراد را در اختیار خود قرار دهند. با این حال، رسانه‌های جمعی به ندرت می‌توانند سبب تحولات بزرگ در افکار عمومی شوند، اما ممکن است جریان‌های فکری موجود را به طور مؤثر تقویت کنند. همچنین اگر در توده مردم آمادگی برای تحول وجود داشته باشد، می‌توانند این تحول را جهت دهند. این آمادگی به عوامل گوناگون وابسته است؛ مانند بحران‌هایی که اعتقادات جامعه را به نظام موجود سست می‌کند. در این حالت فرد هرچه کمتر در گروهی ریشه داشته باشد، بیشتر به شنیدن دلایل مخالف رغبت نشان می‌دهد. همین امر می‌تواند میان نظام ارزشی دو نسل تفاوت‌هایی ایجاد کند.

بر اساس نظریه هکت، کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند بر تغییرهای هویتی یکدیگر تأثیرات مهمی داشته باشند. هکت<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) استدلال می‌کند هویت فرایندی ارتباطی است و باید در بافت تبادل پیام‌ها مدنظر قرار بگیرد. از دیدگاه وی، هویت‌ها در تعامل با دیگران ظهور می‌یابند و برخاسته از گروه‌ها و شبکه‌ها هستند. به همین صورت شاهد اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر افراد خواهیم بود (ایزدی، ۱۳۸۵: ۶۷).

نظریه دیگری که به طور مستقیم با موضوع شبکه‌های اجتماعی در ارتباط است، نظریه کنشگر-شبکه<sup>۲</sup> است که لاتور<sup>۳</sup> و لاور<sup>۴</sup> (۱۹۹۹-۲۰۰۴) آن را شکل دادند. این نظریه بر این اصل استوار است که اتصالاتی انسان‌ها و غیرانسان‌ها به کمک تعامل‌های میان عاملان انسانی و غیرانسانی (متن‌ها، رسانه‌ها، نهادها، هنجارها، اطلاعات و...) شکل می‌گیرد؛ بنابراین غیرانسان‌هایی مانند رایانه در طبقه گروه‌های اجتماعی مرتبط در کنار انسان‌ها می‌گنجند. این نظریه تأکید می‌کند که امر فناوری و امر اجتماعی به صورت متقابل تعیین می‌یابند. همچنین

---

1. Hecht  
2. Actor-Network Theory  
3. Latour  
4. Law

نتیجه می‌گیرد افراد با عضویت در شبکه اجتماعی، از فناوری تأثیر می‌پذیرند و افکار خود را با سبک مدنظر آن فناوری تطبیق می‌دهند (کوثری، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

در زمینه نقش رسانه‌ها در دگرگونی ارزش‌های فردی و اجتماعی جوامع می‌توان به یکی از الگوهای مسلط در حوزه ارتباطات و توسعه در دهه‌های ۶۰ تا ۷۰ میلادی اشاره کرد که رسانه‌ها را موتور دگرگونی و تغییر ارزش‌های جوامع سنتی و ورود به جامعه مدرن می‌دانند. براساس این نظریه، رسانه به انتشار یا اشاعه نظام ارزشی کمک می‌کند که خواهان نوآوری، تحرک، موفقیت و مصرف است. «دانیل لرنر» جامعه‌شناس آمریکایی و از پیروان این رویکرد، به نقش رسانه‌ها در تغییر ارزش‌های سنتی در جوامع و جایگزین شدن ارزش‌های مدرن اشاره کرده است. وی در کتاب «گذر از جامعه سنتی؛ نوسازی خاورمیانه» معتقد است رسانه می‌تواند به فروپاشی سنت‌گرایی - که معضلی برای نوسازی محسوب می‌شود - کمک کند. این کار با افزایش انتظارات و توقعات، بازشدن افق‌ها، تواناشدن مردم به تخیل‌ورزیدن و خواهان جایگزینی شرایط زندگی بهتر برای خود و خانواده عملی می‌شود (مک‌کوئیل، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

زندگی در عصر ارتباطات، سبب می‌شود جوامع همواره در حال تغییر و دگرگونی باشند. تغییر نه‌تنها در شیوه فهم ما از جامعه، بلکه در نحوه ارتباط میان افراد و شیوه ارتباطات به‌وجود آمده است. همچنین روابط افقی بین افراد گسترش یافته و مرزها نفوذپذیر شده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان رسانه‌هایی که بر زندگی افراد سایه انداخته‌اند و استفاده از آنان جزء جدایی‌ناپذیر بخش بزرگی از افراد جامعه شده است، تغییرات عمده‌ای در سبک زندگی، افکار و ارزش‌های افراد به‌وجود آورده‌اند. این شبکه‌ها واژه‌ها و اصطلاحات جدیدی به واژگان لغت اضافه کرده‌اند که مسیری جدید را در زندگی اجتماعی افراد گشوده‌اند؛ اصطلاحاتی مانند میکرواینفلوئنسر و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این افراد بر ارزش‌ها و نگرش مخاطبان با توجه به تغییرات گسترده مجازی جزء معمول شبکه‌های مجازی شده است و سبک جدیدی از زندگی را می‌توان با آن‌ها مشاهده کرد.

## روش‌شناسی

پژوهش کیفی حاضر بر راهبرد نظریه زمینه‌ای تکیه دارد که با تجربه و فهم مشارکت‌کنندگان همراه است. این امر با هدف پژوهش که دستیابی به معانی ذهنی مشارکت‌کنندگان است

سازگاری دارد. اهمیت این روش‌شناسی، از یک‌سو به قابلیت آن در نظریه‌سازی و از سوی دیگر به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی مربوط است. این روش در پی دستیابی به سطحی بالاتر از توصیف، تولید یا کشف نظریه را دنبال می‌کند.

نمونه‌گیری پژوهش حاضر، براساس نمونه‌گیری نظری و هدفمند<sup>۱</sup> است؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع در میان جوانان، در این پژوهش به بررسی، کاوش و توصیف چگونگی شکل‌گیری و تغییر ارزش‌های فردی از نظر میکرواینفلوئنسر می‌پردازیم؛ بنابراین جامعه هدف، اینفلوئنسرهای بالای ده هزار دنبال‌کننده در شهر یزد هستند. نمونه‌های مطالعه حاضر دختران و پسران اینفلوئنسر را شامل می‌شود. اطلاعات و ویژگی‌های اصلی نمونه‌های مدنظر در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشارکت‌کنندگان پژوهش

سن	وضعیت شغلی	مدرک تحصیلی	نام مستعار
۱۸	دانشجو	دیپلم	زهرا
۲۶	دانشجو	لیسانس	نگار
۱۹	عکاس	لیسانس	سجاد
۱۹	عکاس	لیسانس	محمد
۲۰	عکاس	دیپلم	رضا
۲۱	عکاس	لیسانس	یاسین
۲۷	کارمند	کارشناس ارشد	ندا
۲۳	کارمند	دیپلم	علی
۲۸	کارمند	کارشناس ارشد	نجمه
۲۳	آرایشگر	لیسانس	آرزو
۲۴	خیاط	دیپلم	زینب
۲۲	آرایشگر	فوق دیپلم	ریحانه
۲۱	کارمند	فوق دیپلم	مریم
۲۵	بازاریاب شبکه‌ای	دیپلم	یحیی
۲۸	املاکی / کارواش	فوق دیپلم	محسن
۲۹	کارمند	دیپلم	احمد
۲۴	دانشجو	لیسانس	مهدیه
۲۲	دانشجو	دیپلم	فاطمه
۲۳	دانشجو	فوق دیپلم	زهرة
۲۶	دانشجو	لیسانس	مینا
۲۳	کارمند	لیسانس	مسعود
۲۶	کارمند	کارشناسی ارشد	فرشته

منبع: نگارندگان

## 1. Purposive Sampling



فرایند جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌عمیق تا رسیدن به اشباع نظری براساس نمونه‌گیری نظری<sup>۱</sup> ادامه یافت. در این مسیر با ۲۲ مشارکت‌کننده مصاحبه و سپس مصاحبه‌های ضبط‌شده به متن تبدیل شد. شایان ذکر است که این فرایند، همراه با تحلیل داده‌ها ادامه یافت. برای این تحلیل از تحلیل خط به خط<sup>۲</sup> برای کدگذاری باز<sup>۳</sup> استفاده شد و همراه با توسعه مفاهیم و مقوله‌ها، کدگذاری محوری<sup>۴</sup> و گزینشی<sup>۵</sup> صورت گرفت. در انتها نیز مدل پارادایمی ارائه شد. قابلیت اعتماد<sup>۶</sup> یافته‌ها به کمک روش‌های بررسی همکاران<sup>۷</sup>، تأیید مشارکت‌کنندگان<sup>۸</sup> و توصیف غنی<sup>۹</sup> تأیید شد. تأیید اتکاپذیری<sup>۱۰</sup> پژوهش نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل و اجرای دقیق صورت گرفت. در این مطالعه فرایند رفت‌وبرگشتی پژوهش، رضایت آگاهانه و مشارکت داوطلبانه میکرواینفلوئنسر جلب شد و هویت آنان ناشناس ماند. همچنین به حریم خصوصی و حقوق آن‌ها احترام گذاشته شد و در یافته‌های پژوهش، رازداری و صداقت مدنظر قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

با بررسی دقیق متن مصاحبه‌های پژوهش، گزاره‌های اصلی، مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی و درنهایت مقوله هسته، در فرایندی طولانی، دقیق و جزئی، مفهوم‌پردازی شد. در نتیجه این فرایند، مقوله هسته از ۲۵ مقوله اصلی، ۴۸ مقوله فرعی و ۹۹ مفهوم برساخته شد. یافته‌های پژوهش در دو بخش خط داستان و مدل پارادایمی ارائه شد. به دلیل کمبود فضا، گزاره‌های پژوهش در جدول ۲ نیامده است، اما در قالب خط داستان به برخی گزاره‌ها اشاره می‌شود.

- 
1. Theoretical Sampling
  2. Line-by-Line
  3. Open Coding
  4. Axial Coding
  5. Selective Coding
  6. Credibility or Trustworthiness
  7. Peer Review
  8. Member Checking
  9. External Audit
  10. Dependability

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های پژوهش

مقوله هسته	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
پروبلماتیک خودرهابخشی در فضای مجازی	پایگاه مجازی	پیوندهای مجازی	کارکرد گفت‌وگویی کارکرد تسهیل ارتباطی تقویت ارتباطات
		تعاملات مجازی	فضای تعاملی کارکرد افزایش ارتباطات کسب جایگاه اجتماعی تمایل به روابط مجازی
		مطلوبیت روانی	کارکردهای عاطفی احساس لذت
	عواطف رهایی‌بخش	شادی رهایی‌بخش	احساس شادی گذر از غم‌ها شادی زودگذر تقویت روحیه
		کسب اعتمادبه‌نفس	کسب اعتمادبه‌نفس کارکرد حمایتی حس دیده‌شدن
	انگیزه تعالی	نیاز به تأییدطلبی	کارکرد آموزشی الگوگیری آموزشی خلاقیت‌آفرینی
		گردش آزاد اطلاعات	تضارب آرا گردش آزاد اطلاعات افزایش اطلاعات عمومی آگاهی‌بخشی
		آگاهی‌بخشی مجازی	الگوگیری مصرف مجازی رونوشت‌نویسی مجازی ویرتین پایب مجازی
	فردیت منتشر	رونوشت‌نویسی مجازی	تشخیص‌طلبی
		تشخیص‌طلبی	تشخیص‌طلبی
	تجربه کارناوالی مجازی	تفریحات مجازی	تفریحات مجازی
		پرسه‌زنی	اتلاف وقت پرسه‌زنی
	فرصت اقتصادی مجازی	اشتغال مجازی	اشتغال مجازی
		بازاریابی مجازی	بازاریابی مجازی خرید مجازی بازنمایی مجازی

## ادامه جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های پژوهش

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	مقوله هسته
کارکرد مذهبی استفاده برای نفوذ تبلیغاتی	نفوذ مذهبی	نفوذ مذهبی	
خود واقعی بازنمایی واقعی	خود واقعی		
خودنمایشی خود ایده‌آل	خودنمایشی	پروبلماتیک خودرهابخشی مجازی	
جست‌وجوی خود مغفول	خود مغفول ایده‌آل		
جعل خود	جعل خود		
نبود کنترل بیرونی نبود کنترل والدینی	نبود کنترل رسمی و غیررسمی		
احساس آزادی مجازی تظاهر مجازی	نقاب آزادی	آزادی منتشر مجازی	
دیالکتیک منفی وابستگی دیالکتیک منفی کنترل‌شدگی	دیالکتیک منفی وابستگی		
دیگران بوقیچی فضولی مجازی	دیده‌بانان مشرف به صحنه	دیده‌بانان مشرف به صحنه	
بی‌توجهی مجازی دیگرسانسوری بلاک‌کردن	دیگرسانسوری	سانسور به‌مثابه مقاومت	
داشتن صفحات خصوصی شخصی‌سازی خودسانسوری	خودسانسوری		
مزاحمت‌های جنسیتی نامانی مجازی ذهنی	مزاحمت‌های جنسیتی	مزاحمت‌های جنسیتی	
مرزدایی فراواقعیت‌ها	فراواقعیت	فراواقعیت	
دیگرپایی مجازی خبرپایی تسهیل خبررسانی	دروازه‌بانی خبر	دروازه‌بانی خبر	
اعتیاد اینترنتی اعتیاد مجازی خانواده	اعتیاد مجازی		
خانواده موافق مجازی خانواده قانده‌مند مجازی تضعیف فشار هنجاری	خانواده موافق مجازی نظم هنجاری شکننده	نظم آنومیک مجازی	
مخالفت خانواده خانواده مخالف مجازی	خانواده مخالف مجازی		

ادامه جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های پژوهش

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	مقوله هسته
عبور از فیلترینگ کوچ مجازی	گذار پرگداز مجازی	شکست سیاست‌های فیلترینگ	
ترس مدارس از انحرافات ترس مدارس از افت	ترس مدارس از فضای مجازی		
مدرسه چماقی	مدرسه چماقی		
موافقت دانشگاه با فضای تقاضای مدیریت فضای استفاده کنترل‌شده	تقاضای مدیریت فضای مجازی	پارادوکس فضای آموزشی	
فشارهای ایدئولوژیک ترس حاکمیتی از نفوذ	فشارهای ایدئولوژیک فرهنگی		
مخالفت به دلیل کارکرد مخالفت نهادهای مذهبی با فضای مجازی	مخالفت ایدئولوژیک با فضای مجازی	ایدئولوژی مجازی‌ستیز	
مقاومت مجازی مردم فاصله‌گیری از خانواده	مقاومت مجازی مردم خانواده‌گریزی	مقاومت مجازی مردم	
روابط موزاییکی خانواده‌گریزی	روابط موزاییکی	فردمحوری مجازی	
اجتماع‌گریزی	اجتماع‌گریزی		
گسستگی عصبی احساس حسادت	گسستگی عصبی احساس حسادت		
غصه‌خوردن افسردگی	رنج عمیق	گسستگی عمیق روانی	
تناسب اندام بی‌توجهی به تغذیه مدیریت چهره مدیریت پوست و مو	مدیریت بدن	دوالیسم سلامت و زیبایی	
بی‌توجهی به سلامتی بی‌توجهی به زندگی بی‌توجهی به ورزش کاهش خواب	بن‌بست‌های سلامتی		

منبع: نگارندگان

## خط داستان

«پایگاه مجازی» از مقوله‌های فرعی پیوندهای مجازی و تعاملات مجازی تشکیل شده است که نشان‌دهنده ارتباطاتی است که میکرواینفلوئنسرها در شبکه‌های اجتماعی مجازی با دیگران برقرار می‌کنند و از جنبه‌های گوناگون از آن استفاده می‌کنند. باید توجه داشت که حضور دیگران و تعامل با آن‌ها نوعی پایگاه مجازی ایجاد می‌کند. یکی از مقوله‌هایی که در اظهارنظرهای بیشتر آنان مشاهده می‌شود «کارکرد گفت‌وگویی» است. به تعبیر آرزو:

«تو این شبکه‌ها راحت و سریع می‌تونم با دوستانم حرف بزنم. اراده کنم می‌تونم پیام بفرستم»

در گذشته، افراد کمتر با دنیای خارج از خود ارتباط داشتند، اما به‌دنبال مدرنیته و ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، نقش مکان در شکل‌دهی به ارتباطات بسیار کم‌رنگ شد؛ زیرا رسانه‌ها و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌توانند فرد را از مکان خود جدا کنند و به جهان پیوند بزنند. در نتیجه افراد با منابع ارتباطی بسیاری روبه‌رو هستند. ارتباط نیز شکلی غیرمحلی و جهانی یافته است.

مقوله «انگیزه تعالی» که از مقوله‌های کسب اعتمادبه‌نفس و نیاز به تأییدطلبی ساخته شده است، نشان‌دهنده تلاش جوانان برای کسب اعتمادبه‌نفس در این شبکه‌ها و نیاز آن‌ها به تأییدشدن از سوی فالوورهای خودشان است. امروزه میکرواینفلوئنسرها، خوب بودن خود را در این شبکه‌ها جست‌وجو می‌کنند و با تأییدشدن توسط افراد در این شبکه‌ها انگیزه‌ای برای پیشرفت می‌یابند.

گفته‌های میکرواینفلوئنسرها نشان می‌دهد احساس محرومیت در جنبه‌های مختلف گرایش به حضور و ارتباط برقرارکردن در این شبکه‌ها را افزایش می‌دهد. یاسین در صحبت‌هایش گفت:

«تو این شبکه‌های مجازی خیلی بهم بها می‌دن و می‌تونم خودم رو مطرح کنم. بقیه کارام رو تأیید می‌کنن و اعتمادبه‌نفسم به نسبت قبل خیلی بالا رفته».

«بستر خلاقیت‌آفرینی مجازی» از مقوله‌های آگاهی‌بخشی مجازی، گردش آزاد اطلاعات و خلاقیت‌های آموزشی جدید تشکیل شده است که به استفاده میکرواینفلوئنسرها از این شبکه‌ها

برای به دست آوردن اطلاعات و دانش اشاره دارد. این فضاها گردش اطلاعات و آگاهی بخشی را سرعت بخشیده اند؛ به گونه ای که کسب مهارت و دانش، دیگر مستلزم صرف زمان و هزینه گزاف برای آنان نیست. صحبت های مینا همین ویژگی را توصیف می کند:

«این شبکه ها کمک می کنه بتونم چیزهای خوبی یاد بگیرم و ایده های خودم رو پیاده کنم؛ بدون اینکه پولی خرج کنم یا بیرون برم».

شبکه های مجازی منابع شگفت انگیز آگاهی و دانش هستند. با تغییرات اساسی که در اثر رشد و گسترش فناوری های نوین ارتباطی در عرصه های گوناگون زندگی انسان ها رخ داده است، آموزش نیز از این قاعده تغییرات مستثنا نیست. در عصر ما دانش و فناوری با یکدیگر هم مسیر شده اند و نمی توان یکی از این دو را بدون دیگری به راحتی به دست آورد. احمد معتقد است:

«خیلی چیزهای جدید هم می تونی یاد بگیری. الان به خاطر این شبکه ها اطلاعاتمون بالا رفته و نگاهمون بازتر شده».

می توان گفت یکی از فرصت های اساسی که استفاده از شبکه های اجتماعی را برای میکرواینفلوئنسر ها فراهم کرده است، به بحث آموزش و یادگیری مربوط است. آن ها می توانند اطلاعات جدید و مورد نیاز را بدون محدودیت دریافت کنند.

«فردیت منتشر» از مقوله های اصلی رونوشت نویسی مجازی و تشخیص طلبی تشکیل شده است. براساس این مقوله، استفاده و حضور مداوم در شبکه های اجتماعی مجازی سبب شده است همه مانند هم فکر کنند؛ گویی از روی دست هم می نویسند و دغدغه و مسائل همه به یکدیگر شبیه است. اصولاً فضای مجازی دنیا را روز به روز سطحی تر می کند (محمدی، ۱۳۹۴: ۷). یحیی به این موضوع اشاره می کند:

«استفاده مداوم از این شبکه ها ذهن آدمو کم کم تنبل می کنه و دیگه از ذهن خودمون برای کار کردن استفاده نمی کنیم. هرکی هر کاری کرده که بیشتر مورد استقبال بقیه قرار گرفته ما هم همون کار رو می کنیم».

استفاده میکرواینفلوئنسرہا از این شبکہہا طرز فکر و شیوہ زندگی شان را شبیہ یکدیگر کرده است؛ تا آنجا کہ بدون مشاہدہ مشخصات فردی نمی توان تشخیص داد این عکسہا یا دیدگاہہا بہ چہ کسی مربوط است.

تشخص طلبی بہ معنی ابراز برتری و متفاوت انگاشتن خود از دیگران است (معین، ۱۳۷۵: ۶۷۸). این مقولہ در فضای مجازی بہ تلاش میکرواینفلوئنسرہا بہ برتری جویی در انتخاب نوع پوشش اشارہ دارد. آنان خود را برتر از دیگران و بہ قشر مرفہ جامعہ مربوط می دانند. همچنین سعی می کنند این برتری را در پوشش، آرایش و حتی گویش خود نشان دهند و مدهای جدیدی را بہ کار ببرند. زہرا در این بارہ می گوید:

«خیلی برام مهمہ لباس مد بپوشم؛ چون دوستام خیلی دنبال مد و این چیزا هستن». مقولہ «تجربہ کارناوالی مجازی» از تفریحات مجازی و پرسہزنی ساختہ شدہ است و بہ میکرواینفلوئنسرہایی اشارہ دارد کہ عمدہ ساعات مفید شبانہ روز خود را در فضای مجازی و شبکہہای اجتماعی می گذرانند؛ نہ برآمدہ از کنشی هدفمند و با برنامه کہ بیشتر بر مبنای وقت گذرانی منفعلانہ و بہ بیان دیگر پرسہزنی در فضای مجازی. ورود بیشتر جوانان بہ این حوزہ، صرفاً برای وقت گذرانی و گذران عمر است. مہدیہ در این بارہ می گوید:

«همین کہ عکسہای قشنگی بینم و بعضی نکات آموزندہ رو بخونم یا با جاہای جدیدی کہ امکان رفتنش نیست آشنا بشم، تفریح می کنم. اگہ مثلاً برای پرکردن اوقات فراغتم یا تفریح بخوام برم پارک، باید کلی وقت صرف آمادہ کردن خودم کنم».

بودلر پرسہزنی را تجربہ شہر مدرن می داند. از دیدگاہ بنیامین پرسہزنی حضور در فضاہای مدرن محسوب می شود کہ با تجربہ مستقیم از تفاوتہا، ناہمگنیہا و خلاقیتہای زندگی روزمرہ ہمراہ است. از این منظر، پرسہزن، ولگرد نیست، بلکہ فردی متشخص است کہ با نگاہ خیرہ بہ پیادہ روہا، پاساژہا و مردم، بہ لباسہا و مدهای متمایزکنندہ می نگرد. پرسہزنی مجازی تجربہای تازہ از این مفہوم و البتہ پیچیدہ تر و افزون تر است. در واقع پرسہہای مجازی امکانی برای خیال پردازی «دگرخودآزادانہ» ای هستند کہ ہیچ گاہ نمی توانند بہ ذہنیت درآیند؛ از این رو کاربر جرئت می کند ریشہ ای ترین و رادیکال ترین تجربہہا را تصور کند. چنین عملی بہ ہیچ وجہ بہ معنای اسپرکردن خویش بہ دست این گونه خیال پردازیہا نیست، بلکہ این امکان

را به کاربر می‌دهد که به طریقی متکثر و سرخوشانه با آن‌ها برخورد کند و حداقل فاصله‌ای را با آنان حفظ کند (مریدی، ۱۳۹۱: ۱۱). مهدیه در این باره می‌گوید:

«من تو کانال‌های مختلف می‌چرخم، کلیپ‌های بامزه می‌بینم، سریال‌هایی رو که پخش می‌شه می‌رم جلوتر می‌بینم و اعصابم خرد باشه، می‌رم تو این شبکه‌ها می‌چرخم که حواسم پرت بشه و برام زمان بگذره».

«فرصت اقتصادی-مجازی» مقوله‌ای است که به فرصت‌های کسب‌وکار برای جوانان در شبکه‌های مجازی می‌پردازد. سهولت در برقراری ارتباط مستقیم و بدون واسطه با مشتری، مهم‌ترین ویژگی کسب‌وکار در فضای مجازی است. حسن در این باره می‌گوید:

«برای تبلیغات کارام و جذب کردن مشتری خیلی از این شبکه‌ها استفاده می‌کنم». امروزه شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند اینستاگرام، فضای مناسبی برای عرضه محصولات شرکت‌ها و خدمات آن‌ها شده است. این شبکه‌ها این فرصت را به تمام کسانی که محصولی برای ارائه دارند، می‌دهد تا با استفاده از امکانات این شبکه، مانند استفاده از کلیدواژه با ابزار هشتک یا استفاده از ابزارهای تحلیل اینستاگرام برای هرچه بیشتر دیده‌شدن محصول خود تلاش کنند و فروشندگان محصولاتشان را مستقیم و بدون واسطه به دست خریداران برسانند. ندا نیز در این باره می‌گوید:

«در این شبکه‌ها به راحتی می‌تونم مشتری جذب کنم و تبلیغ کنم برای کارهام». مقوله عمده «نفوذ مذهبی» برگرفته از کارکرد مذهبی و استفاده برای نفوذ تبلیغات مذهبی است. کارکرد مذهبی به گروه‌ها و کانال‌هایی اشاره دارد که ختم و دعا‌های دسته‌جمعی برگزار می‌کنند. تبلیغات مذهبی نیز متولیان فرهنگی و دینی را مدنظر قرار می‌دهد که به ترویج و اشاعه باورهای دینی می‌پردازند. بارگذاری عکس، پوستر، فیلم‌های کوتاه از مفاهیم مذهبی، انسان‌های مستعد را با مفاهیم دینی آشنا می‌کند. یحیی در این باره می‌گوید:

«بچه‌های هیئتی می‌شناسم که فعالیت خوبی دارن تو این شبکه‌ها و دارن کسایی رو که علاقه‌مند به مداحی و کارهای مذهبی هستند جذب می‌کنن و آموزش می‌دن».

مقوله «دروازه‌بانی خبر» به تحولاتی اشاره دارد که در فضای رسانه رخ می‌دهد. پیشرفت فناوری ارتباطی نقش مؤثری در این موضوع دارد؛ به طوری که با ورود اینترنت تعداد افراد



دارای حق انتشار خبر در رسانه‌ها افزایش یافته است. تا پیش از ظهور اینترنت، امکان تعامل مخاطب و متصدیان رسانه‌ها بسیار محدود بود، اما این پیشرفت‌ها این ارتباط را بسیار گسترده‌تر کرده است. مخاطبان نیز دیدگاه‌های خود را تا حدودی اعمال کرده‌اند.

مقوله عمده پروبلماتیک خودرهابخشی به خودهای متفاوتی اشاره دارد که میکرواینفلوئنسرها در شبکه‌های مجازی نشان می‌دهند؛ خود واقعی، خود نمایشی، خود مغفول ایده‌آل و جعل خود. شبکه‌های اجتماعی قابلیت‌هایی دارند که به کمک آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در دنیا‌های جدید بسازند. زینب می‌گوید:

«به نظرم اشکال نداره خودمون رو به جور دیگه نشون بدیم. حداقل آزادی داریم به جا بتونیم طبق دلمون پیش بریم».

این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند، یا فرد به‌زعم خودش نتواند به آن دست یابد. سجاد می‌گوید:

«بعضی وقتا خودم رو به جور دیگه نشون می‌دم؛ مثلاً خصوصیات رو که ندارم می‌گم دارم یا به جوری نقش بازی می‌کنم که بیشتر فالور جذب کنم».

روایت‌های میکرواینفلوئنسرها از ابراز خود، نشان‌دهنده این واقعیت است که آن‌ها به دلیل پایگاه مجازی و انگیزه‌های متعالی خود، همچنین در فضای آنومیک هنجاری جامعه، تجربه خودرهابخشی مجازی‌شان را با پویایی‌های متفاوتی همراه می‌کنند. در شبکه‌های اجتماعی مجازی، خود فعلی میکرواینفلوئنسرها به چالش کشیده می‌شود. سپس آن‌ها این فرصت را می‌یابند که خود دلخواهشان را بروز دهند. این خود جدید در فضای گفتمانی شبکه‌ای اجتماعی مجازی بر ساخته می‌شود. چنین وضعیتی جهان ذهنی و عینی مشارکت‌کنندگان را درگیر می‌کند و دنیای آنان پروبلماتیک می‌شود. به عبارت دیگر خودرهابخشی آنان در مواجهه با مخاطبان چندهزار نفره آنان به‌طور مداوم دستکاری می‌شود و آن‌ها را وادار می‌کند تا راهبردهای خود را در مواجهه با این مخاطبان بازاندیشی کنند.

مقوله عمده آزادی‌های منتشر مجازی، به نبود کنترل رسمی و غیررسمی در استفاده از این شبکه‌ها و داشتن نقاب آزادی اشاره می‌کند. میکرواینفلوئنسرها احساس آزادی بیشتری در این شبکه‌ها دارند و حتی می‌توانند به چیزی که نیستند تظاهر کنند؛ زیرا آزادی‌های این شبکه‌ها

کنترل نشده است و والدین و دیگران نمی‌توانند کنش‌هایشان را کنترل کنند. اغلب والدین سواد استفاده از فضای مجازی را ندارند و چندان با قانون و قواعد بسیار خاص این فضا آشنا نیستند. همین امر موجب می‌شود تا نظارت مناسبی بر عملکرد فرزند جوان خود نداشته باشند. زینب در این باره می‌گوید:

«والدینم که نمی‌دونن دارم در این شبکه‌ها چیکار می‌کنم. به خاطر همین می‌تونم اونجا راحت باشم».

داشتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد مانند دسترسی آسان، سهولت استفاده و گمنامی کاربران آزادی‌های میکرواینفلوئنسرها را افزایش داده است. احمد می‌گوید:

«فضای مجازی دنیای جدا از دنیای واقعی و تو فضای مجازی هر کاری دلت می‌خواد می‌کنی». آزادی حاکم بر شبکه‌های اجتماعی به خوداظهاری کاربران و ابرازکردن آشکار علایق و عقایدشان منجر می‌شود (رجبی، ۱۳۸۹: ۴۴). آزادی عمل و اظهار افکار در این شبکه‌ها بر کارکردها و قدرت برجسته‌سازی رویدادهای مختلف در آن افزوده است.

در مقوله «دیده‌بانان مشرف به صحنه» به دیگرانی اشاره می‌شود که سعی در کنجکاوی و کشف راز و رمزهای زندگی دیگران در این شبکه‌ها دارند. رضا در این باره می‌گوید: «شاید در فضای واقعی به خانواده جواب ندم، اما بدتر باید حواسم به فالوورهام باشه که چی می‌گن. باید حواسم باشه چی بذارم که بیشتر دیده می‌شه».

مشاهده دقیق عکس‌ها، دنبال‌کردن افرادی که عکس شخص مورد نظر را لایک کرده‌اند یا نگاه‌کردن به فالوورهای افراد از جمله کارهایی است که دیده‌بانان برای کنترل‌کردن دیگران و اطلاع از زندگی آن‌ها انجام می‌دهند. همین امر سبب می‌شود میکرواینفلوئنسرها حتی بیش از دنیای واقعی تحت فشار قرار بگیرند و به سانسور خود اقدام کنند. مسعود مستقیماً به این موضوع اشاره می‌کند:

«در فضای مجازی خیلی از افراد هستن که می‌خوان فضولی کنن. به خاطر همین نمی‌تونم هر پستی رو بذارم. نمی‌تونم هر استوری رو بذارم؛ چون خیلی‌ها کاسه داغ‌تر از آتش هستن!» جویندگی و برانگیختگی افراد هنگام کنشگری میکرواینفلوئنسرها در این شبکه‌ها سبب افزایش کنجکاوی‌های مجازی می‌شود. به همین دلیل میکرواینفلوئنسرها در این شبکه‌ها به

دنبال آن هستند که هشیارانه عمل کنند و عکس یا پستی را به نمایش بگذارند که دلخواه فالوورهایشان باشد.

نگار می‌گوید:

«تو فضای مجازی برای حفظ مخاطب یا دیده‌شدن باید به حرف او نا و سلیقه‌شون توجه کنم، حتی اگر سلیقه خودم نباشه؛ چون سریع آنفالو می‌کنن».

«سانسور به مثابه مقاومت» از مقوله‌های خودسانسوری و دیگرسانسوری تشکیل شده است. از آنجا که میکرواینفلوئنسرها همواره در معرض قضاوت دیگران قرار دارند، بسیاری از مواقع مجبور به سانسور خود می‌شوند. این شبکه‌ها موجب ایجاد نگرانی در میکرواینفلوئنسرها در مورد واکنش دیگران به فعالیت‌هایشان می‌شوند. به همین دلیل در بیشتر موارد از ابراز نظر در مورد موضوعات مختلف باز می‌مانند.

زهره در این باره می‌گوید:

«باید مواظب باشم چه عکسی یا پستی می‌ذارم که باعث نشه کسی به فضای شخصیم توهین یا قضاوت‌م بکنه».

«مزاحمت‌های جنسیتی» مقوله‌ای است که به ناامنی‌های مجازی و مزاحمت‌هایی اشاره دارد که میکرواینفلوئنسرها با آن مواجه می‌شوند. حریم خصوصی برای میکرواینفلوئنسرها به دلیل حضور مستمر و دامنه‌دار در شبکه‌های مجازی بسیار شکننده و ناامن است. فرشته ترس از ناامنی در این شبکه‌ها را این‌گونه توصیف می‌کند:

«آدم می‌ترسه گاهی عکسی چیزی بذاره؛ چون سریع ذخیره می‌کنن یا اسکرین‌شات می‌گیرن. بعد می‌بینی همه جا هست».

«فراواقعیت» مقوله‌ای است که به مرزدایی و محیط ناشناخته شبکه‌های مجازی اشاره دارد؛ محیطی که امکان مخفی‌بودن و بی‌نام‌بودن را فراهم می‌کند. در این شبکه‌ها، میکرواینفلوئنسرها بدون توجه به هویت واقعی خود می‌توانند هویت جدیدی برای خود تعریف کنند. فروپاشی مرزهای زمانی و مکانی که از آن با عنوان «جهانی‌شدن معاصر» یاد می‌شود، امکان ارتباط فراقلمرویی را مهیا کرده است که به شکل‌گیری فضای مجازی به موازات دگرگونی در عرصه واقعی منجر شده است. زهرا معتقد است:

«تو این شبکه‌ها الکی کسی گنده می‌شه. حالا طرف رو تو واقعیت می‌بینی هیچی نیست!»  
 در این شبکه‌ها، مرز هیچ معنا و مفهومی ندارد، همه‌چیز در تحرک است و همواره این تحرک شتابی بیشتر می‌یابد. همچنین فرد را از چارچوب معین و انعطاف‌ناپذیری که در جهان خارج دارد، جدا می‌کند و به او اجازه بروز بیشتر خود را می‌دهد. چنین فضایی که فرد را از قیدوبندها رها می‌کند و در فضایی بسیار بی‌مرزتر از جهان واقعی مجال فعالیت به او می‌دهد، می‌تواند هویت را تحت‌الشعاع خود قرار دهد (باقری و زاریان، ۱۳۹۲: ۱۵۱). فرشته می‌گوید:  
 «هرکاری می‌خوان تو این شبکه‌ها انجام می‌دن. عکس می‌گیرن می‌ذارن. دیگران میان تشویقشون می‌کنن. کسی که خبر نداره اینا در واقعیت چه جوری هستن».

مقوله شکست سیاست‌های مبنی بر فیلترینگ به عبور از فیلترینگ با استفاده از فیلترشکن یا کوچ کردن به شبکه‌های مجازی دیگر و انتقاد از فیلترینگ اشاره دارد. فضای مجازی با فراهم کردن ظرفیتی بالا برای کنش متقابل و تبادل اطلاعات و رای زمان و مکان، به انسان‌ها امکان می‌دهد بی‌واسطه و بی‌هیچ محدودیتی به اطلاعات، دانش‌ها و میراث‌های فرهنگی متنوع دسترسی داشته باشند. این دسترسی آسان و بی‌واسطه سبب شکل‌گیری ایدئولوژی‌های مخالف در میان نهادهای اجتماعی می‌شود؛ زیرا موضوعات و اتفاقات به‌سادگی به این شبکه‌ها نشر داده می‌شود و مرزی برای انتشار یا تعیین صحت موضوعات وجود ندارد.

در نتیجه نهادهای مذهبی، حکومتی و آموزشی گاهی احساس خطر می‌کنند و می‌خواهند با شیوه‌های گوناگون در دسترسی به این شبکه‌ها اختلال ایجاد کنند. در بیشتر مواقع سیاست‌های فیلترینگ و محدودیت‌ها با شکست مواجه می‌شود. مسعود می‌گوید:

«قطعاً در ایران فیلتر جواب نمی‌ده. یعنی ما می‌تونیم به راحتی با یک وی‌پی‌ان دو هزار تومنی وصل بشیم. منم مثل سابق استفاده می‌کنم».

«نظم آنومیک مجازی» از مقوله‌های اصلی خانواده مخالف مجازی و نظم هنجاری قاعده‌مند تشکیل شده است که بیان‌کننده نگاه متفاوت خانواده‌ها به شبکه‌های اجتماعی مجازی است که با این شبکه‌ها مخالف هستند. ندا به این موضوع اشاره می‌کند:

«من که اصلاً جلوی اونا استفاده نمی‌کنم که متوجه بشن؛ چون خیلی مخالفن روی گوشی و این چیزها خیلی شکاک هستند».

در میان این خانواده‌های مخالف، خانواده‌هایی هستند که به دلیل اصرار فرزندان و رویه حاکم بر جامعه، استفاده از این شبکه‌ها را براساس اصول خود بلامانع می‌دانند. نجمه در این باره می‌گوید:

«مشکلی ندارن، اما یه وقتایی گیر می‌دن که چرا همه‌ش سرت تو گوشیه یا همسرم می‌گه خیلی استفاده می‌کنی و به بچه نمی‌رسی. با زمانش مشکل دارن. اگر کمتر استفاده کنم مخالفتی ندارن».

در مقابل خانواده‌هایی هستند که به‌طور مستمر از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند. در نتیجه با استفاده فرزندان‌شان هم مخالفتی ندارند. در میان خانواده‌ها، نوعی نظم هنجاری وجود دارد که جوانان باید براساس آن عمل کنند. از یک‌سو قاعده‌ای که تعیین شده است و از سوی دیگر تغییرات فرهنگی که پی‌درپی در خانواده‌ها رخ می‌دهد، این نظم هنجاری وضع شده را شکننده کرده است؛ زیرا نظم هنجاری مجموعه‌ای از اصول است که افراد برای عملکرد بهتر انجام می‌دهند. سرپیچی از این نظم و عمل نکردن به آن سبب شکستن نظم هنجاری می‌شود. این امر در مورد شبکه‌های مجازی، فراگیری و استفاده ناگزیر از آن و تبدیل شدن به ابزاری بی‌بدیل در عرصه ارتباطات و تأثیرگذاری خارج از کنترل خانواده‌ها و نهادهای قدرت، سبب تضعیف نظم هنجاری خانواده‌ها شده است.

«پارادوکس فضای آموزشی» مقوله عمده‌ای است که از یک‌سو به ترس مدارس و فضاهای آموزشی از افت تحصیلی و انحرافات به دلیل استفاده از این شبکه‌ها اشاره دارد و از سوی دیگر استفاده کنترل‌شده فضاهای آموزشی را مدنظر قرار می‌دهند. زینب در این باره می‌گوید:

«شاید به بچه‌ها بگن فضاهای آموزشی بده استفاده نکنید، اما همه‌شون خودشون استفاده می‌کنن».

آن‌ها معتقدند استفاده از فضای مجازی مستلزم این است که بتواند محتوای مناسبی را تولید کند تا آموزش‌های بهتری ارائه دهد. اگر استفاده از این شبکه‌ها مبتنی بر محتوای مناسب نیست، اصلاً نباید استفاده شود. استفاده از این شبکه‌ها در یادگیری، علاوه بر فرصت‌های بسیاری که ایجاد می‌کنند، چالش‌هایی را نیز پیش‌رو دارند که همین موضوع، فضای آموزشی را دچار پارادوکس در روبه‌رو شدن با شبکه‌های اجتماعی مجازی کرده است.

«ایدئولوژی مجازی‌ستیز» از مقوله‌های فضاهای ایدئولوژیک فرهنگی و مخالفت ایدئولوژیک با فضای مجازی تشکیل شده است که به مخالفت‌های نهادهای مذهبی، فشارهای حاکمیتی با شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاره دارد. محسن در این باره معتقد است که:

«دولت‌ها فکر می‌کنن با استفاده از این شبکه‌ها فرهنگ غرب وارد جامعه می‌شه و نمی‌تونن اون رو کنترل کنن».

حاکمیت برای مخالفت‌های خود، فیلترینگ شبکه‌های مجازی را در دستور کار قرار می‌دهد؛ زیرا با کارکرد و تأثیرگذاری این شبکه‌ها مخالف است. احمد می‌گوید:

«این شبکه‌ها دارن افشاگری می‌کنن؛ پس معلومه حکومت‌ها مخالفن».

مقاومت مجازی مردم مقوله‌ای است که به مقاومت میکرواینفلوئنسر در برابر ایدئولوژی‌های مخالف و سیاست‌های فیلترینگ اشاره دارد. آن‌ها در برابر چیزهایی که فضای مجازی را برایشان کم‌رنگ می‌کند، مقاومت نشان می‌دهند.

مقوله فردمحوری مجازی به فاصله‌گیری از خانواده و روابط موزاییکی و اجتماع‌گریزی در میان میکرواینفلوئنسرها اشاره دارد. آن‌ها فردگرایی را به جمع‌گرایی ترجیح می‌دهند. در گذشته والدین بزرگ‌ترین منبع عاطفی، احساسی و رفتاری برای فرزندان بودند، اما در حال حاضر این‌گونه نیست. مریم می‌گوید:

«زیاد دوست ندارم با مادرم وقت بگذرونم؛ چون خیلی با من فرق می‌کنه. به همین خاطر بیشتر وقتم در این شبکه‌ها سپری می‌شه».

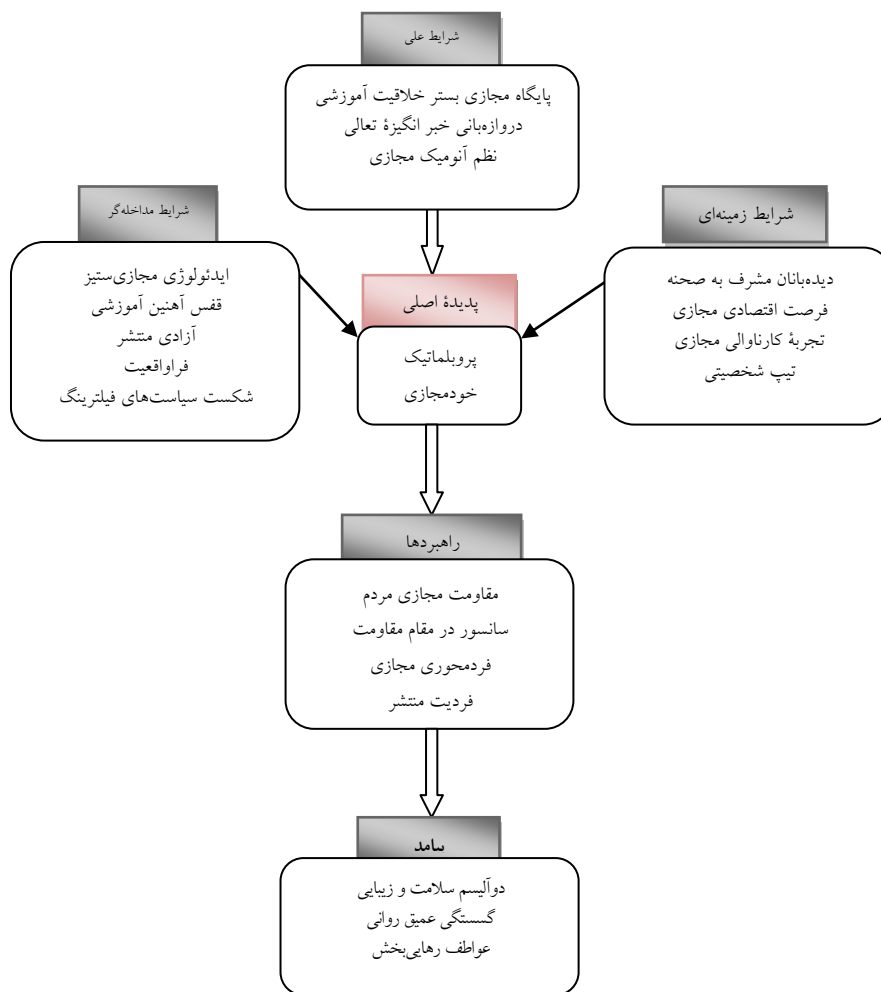
براساس نظریه کلی و ولخارت درمورد تأثیر گروه، هرچه کاربر احساس کند در شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر پذیرفته می‌شود، بر ارزش‌های خانواده تأثیرگذار است. همچنین وقتی در این شبکه‌ها با دیگران تعامل داشته باشند کمتر مسائل خود را با خانواده مطرح می‌کنند که این امر سبب کم‌اهمیت‌شدن ارزش‌های خانواده نزد فرد می‌شود (اسلوین، ۱۳۸۰: ۷۰).

مقوله‌های گسستگی عمیق روانی و عواطف رهایی‌بخش به دو بخش طیف پیامدهای استفاده از شبکه‌های مجازی برای میکرواینفلوئنسرها اشاره دارد. فضای بدون مرز مجازی معضلاتی را برای انسان به وجود می‌آورد.

ریحانه معتقد است:

«خیلی وقتا شده شرایط زندگی بقیه رو در این شبکه‌ها می‌بینم. می‌شینم غصه می‌خورم چرا من این‌جوری نیستم».

از سوی دیگر، کارکردهای مثبتی که این فضاها برای میکرواینفلوئنسرها دارند، سبب شکل‌گیری احساسات مثبت می‌شوند. زندگی در دنیای مجازی و شکل‌گیری اجتماعات غیرحقیقی پیامدهایی برای حیات اجتماعی بشر دارد که توجه به آنها لازمه هرگونه سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی است. دوالیسم سلامت و زیبایی، گسستگی عمیق روانی و عواطف رهایی‌بخش از جمله پیامدهای شبکه‌های مجازی هستند.



مدل پارادایمی

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش کیفی به کاوش ابراز خود میکرواینفلوئنسرها در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته شد. هدف بررسی و کاوش معنایی میکرواینفلوئنسرها از تغییرات و تأثیرات، به شبکه‌های اجتماعی مجازی مربوط است. ارزش‌های جوانان در چند دهه اخیر در ایران به دلیل تغییرات فرهنگی گسترده دستخوش تحولات مهمی شده که شکل زندگی، نوع باورها و ارزش‌های آنان را به چالش کشیده است. این تغییرات از زمان پیدایش اینترنت و تبدیل شدن جهان به دهکده جهانی ارتباطی، شکل و سرعتی متفاوت به خود گرفته است. در این پژوهش در مرحله کدگذاری انتخابی مقوله هسته‌ای به‌عنوان پروبلماتیک خودرهای بخشی مجازی به دست آمده است.

می‌توان گفت با افزایش استفاده میکرواینفلوئنسرها از شبکه‌های مجازی، پیوندها و تعاملات مجازی آنان سیر صعودی یافته است. همین افزایش تعاملات با دیگران در این فضا، پایگاهی برای میکرواینفلوئنسر به وجود می‌آورد. به صورتی که به راحتی می‌تواند برای خود فالور جذب کند، جایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهند و ارتباطات خود را گسترده کنند. جوامعی که فرایند گذار از شکل هم‌بستگی به شکلی دیگر را طی می‌کنند، معمولاً توان چندانی برای حمایت عاطفی/ روانی از اعضا ندارند. در این جوامع، افراد در زندگی شخصی و در فضاهای جمعی و واقعی، احساس تنهایی و استیصال می‌کنند و برای رها شدن از این نوع حیات برهنه در جست‌وجوی زیست‌بوم‌های معنابخش و حمایتگر هستند. حیات برهنه وضعیت یا شکلی از زندگی است که در آن قواعد و سازوکارهای سیاسی در خصوصی‌ترین ابعاد زندگی شخصی رسوخ می‌کند، زندگی به جای آنکه سرپناهی حمایتگر برای هستی معنوی آدمی باشد، انواع دهشت، اضطراب و تنش را به او القا می‌کند (آگامبن و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶). میکرواینفلوئنسرها زمان و انرژی زیادی را صرف می‌کنند تا خودشان را به کمک فعالیت در شبکه‌های مجازی معرفی کنند و با نشان دادن یا بزرگ‌نمایی توانایی‌هایشان، افراد گوناگون را به‌عنوان فالور جذب کنند. میکرواینفلوئنسرها خود را در بستر شبکه‌های مجازی رها می‌کنند و با آزادی‌ای که در فضای واقعی ندارند، مواجه می‌شوند. این خودرهای بخشی در شبکه‌های مجازی به شکل‌های گوناگون بروز می‌کند. می‌توان گفت تلاش برای تبدیل شدن و



نمایش به شکل خود دلخواه سبب پروبلماتیک خود می‌شود. آن‌ها احساس می‌کنند که در این شبکه‌ها از قید و بند های دنیای واقعی رها می‌شوند و خود را به گونه‌ای دلخواه نمایش می‌دهند. همچنین فالوورهایی جذب می‌کنند که مشوق آن‌ها هستند و انگیزه فعالیت و زندگی را در آن‌ها تشدید می‌کنند. مقوله «فردمحوری مجازی» بر ضعیف شدن شبکه‌های ارتباطات واقعی از فرد، از بین رفتن روابط و مناسبات جمعی و پیدایش وضعیتی انضمامی دلالت دارد که در آن افراد مانند ذرات پراکنده در متن جامعه‌ای از هم گسیخته شناورند، ارتباطی با دنیای واقعی برقرار نمی‌کنند و خود را در فضای مجازی محبوس می‌کنند. مقوله‌هایی مانند بستر خلاقیت‌آفرین آموزشی و دروازه‌بانی خبر، جذابیت‌های دنیای مجازی برای میکرواینفلوئنسرها را تأیید می‌کند.

مقوله‌های استخراج‌شده نشان می‌دهد افراد در شرایط سخت و پرهزینه و نیز به سبب سهولت برقراری ارتباطات متنوع و راحت‌تر در دنیای مجازی، انگیزه بیشتری می‌یابند که از جهان واقعی به جهانی غیر واقعی پناه ببرند. دنیای مجازی قلمرو چندصدایی است. نوع صداها، اندیشه‌ها، خواست‌ها و گرایش‌ها به قدری گسترده است که مهار کردن و تعیین مرز و محدوده برای آن‌ها تقریباً ناممکن است. در این فضا امکان جست‌وجوی لذت‌ها، معناها و هویت‌ها، عضویت در گروه‌ها، تعاطی عواطف و هیجان، مشارکت در گپ و گفت‌ها و فعلیت بخشیدن به پتانسیل‌های جمع‌گرایانه برای کاربران فراهم می‌شود، اما پس از این افرادی که آن‌ها را تشویق می‌کردند، اینفلوئنسرها را زیر نظر می‌گیرند، قضاوت می‌کنند و در خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی‌شان سرک می‌کشند، حتی در موارد بسیاری کنترل می‌کنند. احساس‌رہایی از الزام‌ها و محدودیت‌ها از جمله بسترهای دخیل در توجه به جهان مجازی است. فعلیت یافتن توانایی چیره‌شدن بر موانع و قیدها و درهم شکستن قواعد سبب شده است حریم خصوصی برای افراد در این شبکه‌ها خیلی کم‌رنگ شود و حفظ این حریم، سخت و گاهی غیرممکن باشد. می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی شباهت بسیاری با فضایی کارناوالی دارند. سرگرمی، تفریح، پرسه‌زنی و وقت‌گذرانی در این فضا یافت می‌شوند. به قول باختین این فضا «حیطه جنگ میان صداهاست و هر کنش و کلامی در صدد شنیده شدن و پاسخ گرفتن است» (باختین، ۱۹۸۴: ۳۰۰).

یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش سجادیان و نادى، ۱۳۸۵، گل‌شکوه، ۱۳۸۵ و تلخایی، ۱۳۸۹ همسویی دارد. آن‌ها نتیجه گرفتند که فضای مجازی به‌عنوان رسانه‌ای ارتباطی و سرگرم‌کننده، زندگی شادی برای افراد مهیا می‌کند که در دنیای واقعی انکار می‌شود. این فضا ممکن است مأمونی برای افرادی باشد که در دنیای واقعی تنها رها شده‌اند و بدین‌وسیله هیجانات روحی و روانی خود را ارضا می‌کنند، اما در مقابل غرق‌شدن در فضای مجازی، ارتباطات واقعی آن‌ها و دوستی‌های عمیق و حمایت‌های عاطفی تأثیرگذار را کاهش می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت مهم‌ترین تحولی که در جامعه ایران در سطح کلان به وقوع پیوسته است، گام‌نهادن در مسیری است که فضای مجازی احاطه کرده است. اعضای جامعه متأثر از این جریانات، ارزش‌ها، رفتار و نگرش‌شان تغییر می‌کند. نهادینه‌شدن این تغییرات در میکرواینفلوئنسرها به‌عنوان اعضای تشکیل‌دهنده و تأثیرگذار بر جامعه، در نهایت به تغییرات در ارزش‌های جوانان منجر می‌شود. تغییرات هم در بعد درون‌ساختاری رخ داده است؛ مانند تغییر سبک ارتباطات، تغییر در شکل و ساختار روابط، رابطه والدین و فرزندان و... و هم در بعد برون‌ساختاری مشاهده می‌شود؛ مانند تغییرات بافت و فرهنگ، آگاهی فرهنگی، آگاهی آموزشی، فرصت‌های اقتصادی مجازی و ایجاد بسترهای مناسب برای پیشرفت.

## منابع

- آگامبن، جورجو (۱۳۸۷)، والتر بنیامین در برابر کارل اشمیت، ترجمه جواد گنجی، در قانون و خشونت، تهران: نشر رخداد نو.
- اسلویین برتون، جیمز (۱۳۸۰)، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری و همکاران، تهران: نشر کتابدار.
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۵)، «نظریه‌پردازی درباره ارتباطات میان‌فرهنگی»، فصلنامه رسانه، شماره ۳: ۴۹-۹۸.
- باقری دولت‌آبادی، علی و زارعیان جهرمی، فرح‌الله (۱۳۹۲)، «تأثیر فضای مجازی بر هویت و هم‌بستگی ملی»، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۰: ۱۴۹-۱۸۲.

- بیگللو، مهدی و هادیان، ناصر (۱۳۹۷)، «تأثیر کارکردهای شبکه‌های اجتماعی بر سمت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی کاربران دانشگاهی در ایران (مطالعه موردی وایبر و تلگرام)»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، شماره ۱۲: ۷۳-۱۰۴.
- تلخایی، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی وابستگی بر اینترنت و پیامدهای روانی اجتماع آن بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک»، *همایش هجوم خاموش*، شماره ۴: ۱۲-۲۳.
- جهانگیری، جهانگیر و میرفردی، اصغر (۱۳۸۷)، «جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه انسانی در ایران: مطالعه موردی ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، شماره ۲۹: ۱۰۴-۱۳۱.
- حیدری، آرمان و رمضانی باصری، عباس (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه جهت‌گیری ارزشی مدرن با هویت دینی و مقایسه جنسیتی آن: مورد مطالعه: دانش‌آموزان متوسطه شهر مرودشت»، *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، شماره ۲۹: ۴-۲۹.
- دانشوریان، ناهید و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین سرمایه فکری و جهت‌گیری ارزشی دبیران متوسطه شهرستان شهرکرد»، *نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، شماره ۴: ۵۱-۶۳.
- ربیعی، علی (۱۳۸۷)، «رسانه‌های نوین و بحران هویت»، *مطالعات ملی*، شماره ۴: ۱۴۹-۱۷۶.
- رستگار خالد، امیر؛ قاسم، مشکینی و صادق، صالحی (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه جهت‌گیری ارزشی با شهروندی زیست‌محیطی در بین شهروندان مناطق ۳، ۱۱ و ۱۹ تهران»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، شماره ۱: ۳۷-۵۸.
- ساروخانی باقر و رفعت‌جاه مریم (۱۳۸۳)، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۱۳۳-۱۶۰.
- سجادیان، ایلناز و نادى، محمدعلی (۱۳۸۵)، «ارتباط بین افسردگی و انزوای اجتماعی کاربران اینترنت نوجوان و جوان با مدت‌زمان روزانه معمول کاربری اینترنت»، *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، شماره ۷ و ۸: ۳۳-۳۸.

- شهابی، محمود و بیات، قدسی (۱۳۹۲)، «اهداف و انگیزه‌های عضویت کاربران در شبکه‌های مجازی (مطالعه درباره جوانان شهر تهران)»، مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۲۰: ۶۱-۸۶.
- ظهیری‌نیا، مصطفی و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳)، «تحلیل کیفی جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شهر بندرعباس»، مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، شماره ۳: ۱۳۵-۱۵۳.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۷)، شبکه‌های علمی مجازی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عطایی کجویی، پری؛ انصاری، ابراهیم و کیانپور، مسعود (۱۳۹۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از فضای مجازی بر نظام ارزشی افراد در خانواده (مقایسه مناطق شهری و روستایی اصفهان)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۲۲: ۱۵۷-۱۷۸.
- قلی‌زاده، آذر و زمانی، عباس (۱۳۹۶)، «مطالعه کیفی چالش‌های شبکه‌های اجتماعی»، رسانه، شماره ۱۰۶: ۱۰۳-۱۲۰.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۹)، درآمدی بر فرهنگ سایبر، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- گل‌شکوه، فرزانه (۱۳۸۹)، «رابطه بین گوشه‌گیری اجتماعی، افسردگی و اضطراب با اعتیاد به اینترنت در کاربران اینترنت شهر اهواز»، مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی، شماره ۶: ۴۳-۵۵.
- معدنی، سعید و خسروانی، عباس (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر در جهت‌گیری ارزشی-مادی/ فرامادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک در سال ۱۳۹۰»، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، شماره ۳: ۱۲۳-۱۴۴.
- معمار، ثریا؛ عدلی‌پور، صمد و خاکسار، فائزه (۱۳۹۱)، شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۴: ۱۵۵-۱۷۶.
- Bakhtin, M. (1984), **Problems of Dostoevsky's Poetics**, Trans, C. Emerson. Manchester: Manchester University Press.

- Chen, A., Pin-Hwa, Teo B, Timothy, Mingming Z. (2016), "Relationships Between Digital Nativity, Value Orientation, Andmotivational Interference Among College Students", **Learning and Individual Differences**, No. 50: 49-55.
- Tulviste, T., and Tamm, A. (2014), "Value Priorities of Early Adolescents", **Journal of Adolescence**, No. 37: 525–529.
- Ronald Fischer, C. et al. (2010), "Are Individual-Level and Country-Level Value Structures Different? Testing Hofstede's Legacy with the Schwartz Value Survey", **Journal of Cross-Cultural Psychology**, No. 41: 135-151.
- Marcus, J., Ceylan, S., and Ergin, C. (2017), "Not So "Traditional" Anymore?" Generational Shifts on Schwartz Values in Turkey, **Journal of Cross-Cultural Psychology**, No. 48: 58-74.